

یادداشتی از نورالله رنجبر؛

نگاهی به فیلم پابوس ص ۱۹۹۹

«پابوس، ص ۱۹۹۹» روایت ارزش‌ها و عنوانی برای این فیلم داستانی است که به سال پیدایش و آغاز جنایات داعش؛ یعنی، سال ۱۹۹۹ میلادی اشاره دارد.

به گزارش خبر، نورالله رنجبر در یادداشت ارسالی با موضوع "نگاهی به فیلم پابوس ۱۹۹۹" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛ پابوس به نویسندگی و کارگردانی سیدابراهیم حسینی با سکانسی انفجاری؛ اما، پر از سکوت در قاب چهره‌ی مغموم و ذهن مشوش دختری به نام صبا آغاز می‌شود. دخترکی که به قصه فیلم، شمایی بر پایه رویدادهای واقعی می‌بخشد. او دختر یک مدافع حرم یا همان مبارز صلح‌جو است که پوتین پدر را قبل از عزیمت به سوریه قایم می‌کند تا شاید او را از رفتن منصرف نماید. دیگر بر کسی پوشیده نیست که خانواده مهم‌ترین دارایی هر انسانی است و پابوس به خوبی این ارزش‌ها و ارتباطات خانوادگی را نشان می‌دهد. از همان آغاز با فغان فیلم رو در رو می‌شویم؛ فغان نبود پدری که پای ارزش‌های خویش ایستاده است. در این ماجرا، صبا، دختری است که از وقت گذراندن با نزدیک‌ترین و عزیزترین کسان خود؛ یعنی پدر، محروم است. خانواده وی هم، اگرچه روحیه حمایت‌گری را هیچ‌گاه کنار نمی‌گذارند؛ اما، از قضا مشکلات همیشه بر این حمایت‌گری خانواده فائق آمده است. با گذشت فیلم متوجه نگاه تیزبینانه کارگردان شیرازی و خوش ذوق اثر، به رابطه‌ی پیچیده و دنیای زیبایی پدر و فرزندی می‌شویم. پابوس اثری است که جانانه به مصائب دخترکی چشم انتظار و چشم به راه پدر می‌پردازد. پدری که در پایان فیلم، پاداش آرمانش جانبازی است. این فیلم بیانگر رنج ایستادن پای شهدا و جانبازان است. رنج زنانی که به امید با شوی خویش پیوند می‌آمیزند؛ اما، جز حسرت چیزی نمی‌یابند. رنج دخترک‌انی که لحظه به لحظه‌ی اذان را با یاد پدر درمی‌آمیزند اما جز انتظار فرصتی عایدشان نمی‌شود. جنگ در هر ابعادی محکوم به نیستی است. حال، اثر پابوس با پرداخت به گونه‌ای متفاوت به جنگ، زاویه‌ای دلخراش از آن را به نمایش می‌گذارد. این بار یک جبهه اضطراب شبیخون را ندارد؛ بلکه خانواده‌ای هر آن، انتظار شبیخون مرگ را دارد. شبیخونی که می‌تواند کل خاکریز را به توبره بکشد؛ و یا به چند خمپاره بسنده کند. اما این بار، جنگ چنان رخ نمی‌نماید. چرا که شاید حتی جنگ هم دلش برای دخترک قصه سوخته است. و این، به این دلیل است که در لحظه‌ی پابوسی مادر دخترک در حرم شاهچراغ پدر با قامت رزمنده‌ای جانباز بعد از ماه‌ها اضطراب رخ می‌نماید. پابوس را باید در ابعاد گسترده برای دخترانی نمایش داد که می‌پندارد در جنگ تنهایی و نیستی پدر تنها مانده‌اند. فرزندان که سهم آنان از پدر قاب عکسی است و سنگ قبری در مزار شهدا. تقدیم به برادر شهیدم که بالغ بر ۳۵ سال درد جانبازی را بدوش کشید